

خبری از نظارت نیست؛ برای امنیت پاکبانان شهر دعا کنید

یکی از پاکبان های شهرداری مشهد می گوید «به دلیل عدم نظارت بر دستورات خلاف عرف پیمانکاران به نیروی پاکبان با یکی از همکارانم عهد بسته ایم که در صورت بروز حادثه برای هر کداممان ان یکی حقیقت را بیان کرده و اجازه ندهد تا خون آن یکی پایمال شود.»

به گزارش سایت خبری پرسون، امروز شرایط برای پاکبان ها در مشهد به گونه ای رقم میخورد که هر صدای کم و زیادی از پشت سر در حین کار می تواند ترس بسیاری به دل آنها راه دهد، ترسی که در صورت تبدیل به واقعیت آنها را روانه خاک سرد زمین خواهد کرد.

پس از درگذشت محسن بهامین پاکبان شریف مشهدی در سانحه رانندگی، مسئولین امر عنوان کردند که وی دارای تجهیزات کافی بوده و بر اثر شدت برخورد فوت کرده است.

پس از فوت محسن بهامین، روابط عمومی شهرداری مشهد تصویر تجهیزات پاکبان فوت شده را منتشر و شهردار مشهد نیز در سخنانی عنوان کرد که تصور میکرده که پاکبان ها تجهیزات ندارند اما با بررسی هایی که انجام داده تایید می کند که پاکبان ها «کلاه دارند، شبرنگ دارند، چراغ پیشانی» به همراه دارند.

آنچه در ویدیو منتشر شده در پایگاه خبری پرسون می بینید حاصل بیش از ۵۰ روز رصد برخی معابر پرتردد در شهر مشهد است.

تصاویری که به وضوح نشان میدهد نباید امیدی به نظارت و پیگیری از سوی شهرداری داشت و تنها باید برای سلامتی جان پاکبان های شهرمان دست به دعا برداریم.

در تصاویر ضبط شده در بیش از ۵ منطقه شهرداری مشهد می بینیم که پاکبان ها با در دست گرفتن جان خود و برای تامین معیشت خانواده شأن مجبورند تا در مکان هایی پرخطر و تاریک بدون تجهیزات لازم به فعالیت خود بپردازند.

در ادامه بخشی از گلایه های پاکبان ها را می خوانید؛

شاید شهرداری بگوید که پاکبان ها دارای تجهیزات هستند که این موضوع در مواردی صدق می کند اما این نکته همواره در ذهن پاکبان وجود دارد که اگر تجهیزاتی که در اختیار دارد در حین فعالیت خراب شود باید هزینه آن را از جیب خود پرداخت کند.

چراغی برای استفاده و نصب بر روی سر و پیشانی در اختیار پاکبان قرار میدهند اما اگر این چراغ در مواقع بارندگی دچار آسیب و غیرقابل استفاده شود هزینه آن را از ما دریافت می کنند.

اکنون کاپشنی بر تن داریم که به دلیل کیفیت پایین آب از آن عبور کرده و سبب نفوذ به لباس هایم شده که این موضوع فعالیت ما را هنگام کار و در زمان برودت هوا با سختی بیشتری مواجه می کند.

اکنون که این صحبت ها را انجام میدهم چراغ پیشانی و وسائل هشدار دهنده به همراه ندارم، این مسئله باید توسط پیمانکار به صورت جدی و متوالی مورد پیگیری قرار بگیرد که چرا من به عنوان نیرویش از تجهیزات هشدار دهنده بهره مند نیستم.

به این منطقه بالا شهر می گویند اما لحظه هایی را در این منطقه سپری کرده ایم که سراسر ترس و دلهره بوده و سبب شده تا باور داشته باشم که در این مناطق جان یک گربه یا سگ در برابر برخی افراد ارزش بیشتری نسبت به جان پاکبان ها دارد.

غلامحسین صاحبی عضو شورای اسلامی شهر مشهد در پاسخ به این سوال که وظیفه جبران هزینه تجهیزات خراب شده پاکبان ها بر عهده چه کسی است تصریح کرد: در پیمان های منعقد شده با پیمانکاران این حوزه صراحتا بیان شده که هزینه تجهیزات مصرفی همانند جارو، لباس و وسائل هشدار

دهنده باید توسط پیمانکار پرداخت شود بنابراین اگر پیمانکاری از پاکبان این هزینه را دریافت می کند تخطی از پیمان می باشد.

ما را تبدیل به تیر چراغ برق کرده اند

صحت هایی که در ادامه میخوانید متعلق به پاکبانی است که می گفت " حاضریم با گفتن این واقعیت ها اخراج شوم اما دیگر خبر فوت همکارانم را در حین کار را نشنوم"

برای حفاظت از جانمان کلاه ایمنی به ما داده اند اما این را نمیدانند که ما پس از گذاشتن این کلاه بر سر صدای اطرافمان را به خوبی نمی شنویم که همین موضوع می تواند درصد ایجاد حادثه را افزایش دهد.

بخشی از گلایه ما تجهیزات کار و ایمنی است که در طی روز با آنها سرکار داریم اما بخش اصلی اعتراض ما به کارگیری نیروهای پاکبان در مسیرهایی است که باید توسط خودروهای مکانیزه مورد رفت و روب قرار بگیرد.

زمانی که در مسیر میانی بلوار میروم مدام به این موضوع فکر می کنم که بالاخره یکی از این خودروها و وسایل نقلیه عبوری در یک زمان نامشخص سرنوشتی را برایم رقم خواهند زد که سایر همکارانم را به خاک سرد زمین کشانده است.

اگر با آگاهی نسبت به تمامی اتفاقات پیش رو جارو به دست به میانه بلوارها و خیابان پا می گذارم تنها یک دلیل دارد که آنهم سیر کردن شکم خانواده ام است؛ ما آمده ایم تا یک لقمه نان در بیاوریم با اینکه میدانیم هرلحظه امکان دارد این نان به قیمت جانمان تمام شود.

مدیران شهری و پیمانکاران تصور می کنند که پاکبان تیرچراغ برق است که به او چند چراغ چشمک زن وصل کنند تا برای انجام کاری که وظیفه خودروی مکانیزه می باشد او را به میانه مسیره های پرخطر بفرستند.

نمی گویم تجهیزاتی در اختیار ما قرار نمی دهند بلکه این تجهیزات در مدت زمان کمی خراب شده و پیمانکار انتظار دارد که هزینه های جبران آن توسط خودمان پرداخت شود؛ شما بگویید آیا پاکبان باید هزینه های جارو، چراغ و شب رنگ هشدار دهنده اش را خودش پرداخت کند؟

آدم نباید وجدانش را نادیده بگیرد و حقایق را بگوید مثلا یکی از نکات مثبت در اقدامات اخیر واگذاری کاپشن های خوب به پاکبانان بود که نسبت به سال گذشته دارای کیفیت بیشتر و بهتری بوده است.

بابت ساعت ها اضافه کاری که پیمانکار بر پاکبان تحمیل میکند هزینه ای در فیش حقوقی منظور و پرداخت نمی شود.

ما باید از ساعت ۱۲ الی ۸ صبح فعالیت داشته باشیم اما گاهی در برف و باران تا ساعت ۱۱ ظهر هم ما را نگه میدارند ولی بابت آن اضافه کاری به ما پرداخت نمی کنند

این شغل را انتخاب کرده ام اما همه ما میدانیم که حضور بسیاری از پاکبان ها در شرایط فعلی از سر ناچاری و اجبار برای تامین معیشت خانواده می باشد؛ به این لباس بر تن افتخار می کنم و شغل پاکبانی را بسیار خوب میدانم اما شرایط نباید به گونه ای برای ما رقم بخورد که خانواده هایمان ترس ایجاد حادثه در حین فعالیت برایمان را در دل داشته باشند.

برای حفاظت از جان پاکبان ها کلاه ایمنی، چراغ پیشانی و شب رنگ ها هشدار دهنده در اختیارمان قرار میدهند اما آیا این تجهیزات برای حضور ما در خیابان ها و اتوبان ها مناسب است؟

چرا مدیران شهری با عدم نظارت بر پیمانکاران شرایط را برای آنها به گونه ای رقم میزنند که با اطمینان از نبود نظارت های لازم به ما چراغ وصل کرده و به میانه خطر بفرستند.

گاهی اوقات خودروی مکانیزه رفت و روب را شاهدیم که بدون پایین دادن جاروی مکانیکی خود تنها به طی مسیر اکتفا می کند؛ پس از این اتفاق سرکارگر به پاکبان دستور میدهد که برای رفت و روب کامل جداول میان خیابان ها اقدام کند که در صورت سرپیچی از این دستور به شرکت اعلام کرده و عذر پاکبان را می خواهند.

اگر در کار خود امنیت شغلی را حس میکردم خیلی زودتر از اینها به برخی اتفاقات اعتراض می کردم اما عدم بهره مندی از امنیت شغلی سبب شده تا نتوانیم به وضع موجود و حاکم اعتراض و انتقاد کنیم.

به دلیل عدم نظارت بر دستورات خلاف عرف پیمانکاران به نیروی پاکبان با یکی از همکارانم عهد بسته ایم که در صورت بروز حادثه برای هر کداممان ان یکی حقیقت را بیان کرده و اجازه ندهد تا خون آن یکی پایمال شود.

خبرنگار: مرتضی یگانه